

## شاخصه‌های تبلیغ دینی در سیره پیامبران و اهل بیت علیهم‌السلام

مرضیه قنبری \*

### چکیده

تبلیغ دین و هدایت انسان‌ها به ارزش‌های والای الهی، از اصول رسالت انبیا، جوهره ادیان توحیدی و شاخصه مهم دین‌داری پیروان رسولان حق محسوب می‌شود که از جمله مهم‌ترین عوامل پایداری دین اسلام و تداوم‌بخش راه انبیا و اولیای الهی است. از آنجاکه پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام مبلغان حقیقی دین اسلام هستند، شناخت سیره تبلیغی آنان بر اساس منابع دینی، از بایسته‌های تبلیغ است و خود، بیانگر شیوه صحیح انتقال تعالیم دینی در جهت بهبود ظرفیت‌های عرصه تبلیغ و گرایش روزافزون مخاطب است.

این پژوهش، الگوی مطلوب تبلیغ را با توجه به سیره انبیا و اولیای الهی تدوین نموده و می‌کوشد تا گام مؤثری در پیشبرد اهداف رسالت و احیای دین بردارد و در عمل، به تحول چشمگیر در امر تبلیغ دین اسلام بینجامد. تبلیغ دین با توجه به سیره انبیا و اولیای الهی، بر پایه دین‌داری و آراستگی به فضایل اخلاقی بنا شده است. از این رو، باور قلبی مبلغ که برگرفته از عمل و کردار اوست، گام اساسی در دعوت مبلغ به سوی ارزش‌های الهی به شمار می‌رود. سیره پیامبران و اهل بیت علیهم‌السلام، بیانگر آن است که آنان با استفاده از روش‌هایی چون: موعظه، بشارت، انذار، بیان تمثیل و تبلیغ چهره‌به‌چهره، به ترویج دین پرداخته‌اند.

### کلیدواژه‌گان

روش‌های تبلیغ، پیامبران، اهل بیت علیهم‌السلام، مبلغ.



## مقدمه

با توجه به اینکه سطح آگاهی انسان درباره خودشناسی و خداشناسی محدود است، خداوند متعال وظیفه ابلاغ پیام الهی و ارائه تعالیم دین را سیره و سنت تمام انبیای الهی معرفی نموده و در آیات متعددی، از پیامبران به عنوان مبلّغان دین نام برده (بقره: ۱۱۹) و مأموریت اصلی شان را تبلیغ دانسته است؛ «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ» (احزاب: ۳۹). این آیه، به یکی از مهم‌ترین برنامه‌های عمومی انبیا اشاره کرده که رسالت‌های الهی را تبلیغ می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۷، ص ۳۳۰). تمام انبیا در ادوار مختلف تاریخی، از طریق تبلیغ و با شیوه بیان، بشر را به سوی هدایت و کمال رهنمون کردند. این وظیفه خطیر، بعد از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر عهده ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام است. در حقیقت، رکن اصلی وظایف انبیا و اولیای الهی، تبلیغ است و هدف از بعثت انبیای الهی نیز جز این نیست. اساسی‌ترین محور تبلیغ در هدایت جامعه، شناساندن ارزش‌های الهی و انسانی، و شکوفایی استعدادهای انسان در جهت رشد و تعالی است تا با هدایت و تربیت، خصلت‌هایی والای انسانی در وجود بشر تقویت شود. انسان، موجودی انتخابگر با فطرت خدایی است (روم: ۳۰) که می‌تواند به مرتبه‌ای تعالی نماید که شایسته مقام خلیفه‌اللهمی و مسجود ملائکه (بقره: ۳۰) شود و یا به درجه‌ای سقوط نماید که از حیوان پست‌تر شود (اعراف: ۱۷۹). این تفاوت قابلیت، در پرتو پیروی از دستورات انبیای الهی و پذیرش دعوت حق است و مبلّغ، نقش مؤثری در انتخاب راه صحیح و حیات طیبه ایفا می‌کند. از منظر قرآن، زندگی حقیقی یا همان حیات طیبه (نحل: ۹۵؛ انعام: ۱۲۲؛ انفال: ۲۴)، حیاتی است که انسان را به مرحله حقیقی انسانیت و جایگاه قرب الهی رهنمون می‌سازد (سیدبن قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۱۴۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۱، ص ۳۹۴). بر این اساس، تبلیغ دین در راستای دستیابی به حیات طیبه است تا بتوان با دریافت پیام‌های آسمانی و به‌کارگیری اندیشه، به نوعی از زندگی که شایسته مقام انسانی است، رسید (جعفری، ۱۳۸۲، ص ۳۹). در این راستا، تکلیف عالمان دین، بیان معارف دینی است. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در این باره فرمود: «مَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقًا مِنْ أَهْلِ الْجَهْلِ بِطَلَبِ تَبْيَانِ الْعِلْمِ حَتَّى أَخَذَ مِيثَاقًا مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ بِتَبْيَانِ الْعِلْمِ لِلْجَهَالِ لِأَنَّ الْعِلْمَ كَانَ قَبْلَ الْجَهْلِ» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۶۶). طبق این حدیث، خداوند متعال قبل از آنکه از نادانان در دریافت علم پیمان گیرد، از عالمان در بیان علم برای نادانان پیمان گرفت؛ زیرا علم، قبل از نادانی است. خداوند متعال، تبلیغ را از شاخصه‌های مهم دین‌داری پیروان انبیا معرفی نموده و به مؤمنان امر کرده که عده‌ای

برای کسب معارف دینی هجرت نمایند و بعد از بازگشت، به انداز قوم خویش بپردازند (توبه: ۱۲۲).

پژوهش حاضر، در صدد پاسخ به این پرسش است که پیامبران و اهل بیت علیهم‌السلام در امر تبلیغ از چه روشی در هدایت مردم استفاده می‌کردند؟ این پژوهش، از نوع مطالعات توصیفی تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات پرداخته است. با توجه به اهمیت امر تبلیغ در گرایش انسان‌ها به دین اسلام، شناخت سیره پیامبران و اهل بیت علیهم‌السلام از جمله راه‌های کارآمدسازی تبلیغ است که گام مؤثری در نظام تربیتی اسلام ایفا می‌کند و بر عالمان دین لازم است که در امر تبلیغ ادامه‌دهنده راه آن بزرگواران باشند. توجه به سیره تبلیغی انبیا و اولیای الهی به عنوان مبلغان حقیقی اسلام، مبین این نکته است که جریان تبلیغ، صرف انتقال پیام به مخاطب نیست؛ بلکه موفقیت آن، حاصل نگاه عالمانه نسبت به ابعاد مختلف تبلیغ است.

### ۱. مفهوم‌شناسی تبلیغ

تبلیغ از ریشه «بلغ»، به معنای رسیدن کاری به انتهای مقصد، پیام‌رسانی (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۲۰)، رسیدن به مطلوب شیء، و کوشش در انجام دادن کاری بدون کوتاهی است (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۱۵۲). تبلیغ که شناساندن خوبی‌ها و تشویق به انجام آن، و نیز ترسیم بدی‌ها و نشان دادن راه گریز و منع از آن است، از اصول بسیار مهم اسلام است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ش، ج ۲۱، ص ۳۳۹). در حقیقت، تبلیغ صرف رساندن پیام نیست؛ بلکه فعالیتی است که به تفاهم میان مبلّغ و مخاطب کمک می‌کند؛ به گونه‌ای که مراد حاصل شود.

### ۲. اهمیت تبلیغ دین

تبلیغ دین، در اسلام - به عنوان کامل‌ترین شریعت آسمانی - جایگاه برجسته‌ای دارد؛ به نحوی که خداوند متعال در قرآن کریم هدایت یک نفر را برابر با هدایت تمام انسان‌ها شمرده است؛ «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده: ۳۲). مراد از «أحیایها»، نجات از غفلت و جهل و نیل به معرفت است؛ به طوری که گویی همه انسان‌ها را نجات داده است (ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۳). پس، به حکم این آیه، کسی که شخص گمراهی را به سوی ایمان راهنمایی کند، او را زنده کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۳۱۷). روایاتی نیز در این باره وارد شده است؛ از جمله: «عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ



قَوْلَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...» فَقَالَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالَةٍ إِلَى هُدًى فَقَدْ أَخْيَاهَا وَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۲). طبق این روایت، کسی که فردی را از گمراهی به هدایت درآورد، گویی او را زنده کرده است و آن که فردی را از هدایت به سوی گمراهی برد، گویی او را کشته است. قرآن کریم برای هدایت انسان‌ها، نه تنها به امر تبلیغ تأکید نموده است؛ بلکه وظیفه اصلی رسالت انبیا را رساندن پیام دین می‌داند (مائده: ۹۹؛ نحل: ۳۵؛ عنکبوت: ۱۸؛ یس: ۱۷) و پیامبر را جهت هدایت بشر، مأمور به ابلاغ دستورات الهی نموده تا عذری باقی نماند (حسینی شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۱۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۵، ص ۹۱) و با فرمان به یادآوری و بیان معارف دین از طریق پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، از ایشان به عنوان مُذَكِّر (یادآورنده) نام برده است: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (غاشیه: ۲۱). بنابراین، از اهداف بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، تبلیغ دین است: «إِنَّمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ لِيُعَلِّمَ النَّاسَ دِينَهُمْ وَيَدْعُوَهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۳۷۲). پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پذیرش و عدم پذیرش دعوت حق توسط مردم، مسئولیتی ندارد؛ بلکه تنها وظیفه ابلاغ بر عهده اوست: «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ» (مائده: ۹۹) و از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چیزی بیش از ابلاغ پیام الهی خواسته نمی‌شود؛ چراکه پس از ابلاغ، کسی که اهمال و سهل‌انگاری کند، معذور نخواهد بود (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۱۳۰). طبرسی با استناد به آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا» (فصلت: ۳۳)، دعوت به سوی دین را از بزرگ‌ترین عبادات و واجب‌ترین واجبات دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۱۹).

امام علی عَلِيٌّ در ارزش تبلیغ نزد خدای متعال چنین فرمود: «لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ قَالَ مُوسَى إِلَهِي مَا جَزَاءُ مَنْ دَعَا نَفْسًا كَافِرَةً إِلَى الْإِسْلَامِ قَالَ يَا مُوسَى أَذُنُ لَه فِي الشَّفَاعَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِمَنْ يُرِيدُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۲۰۷-۲۰۸). خداوند متعال در جواب موسی عَلِيٌّ، پاداش کسی که فرد کافری را به اسلام دعوت نماید، مقام شفاعت قرار داده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ارزش معنوی تبلیغ چنین فرموده: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَهْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۰۸). این حدیث، بالاترین مقام را نزد خداوند برای مبلغ قرار داده که در زمین می‌گردد و برای مردم تبلیغ می‌کند. امام صادق عَلِيٌّ به نقل از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «يَجِيءُ الرَّجُلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ كَالسَّحَابِ الرُّكَامِ أَوْ كَالْجِبَالِ الرَّوَاسِي فَيَقُولُ يَا رَبِّ أَنْتَ لِي هَذَا وَ لَمْ أَغْمَلْهَا فَيَقُولُ هَذَا عَلِمَكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ النَّاسَ يُعْمَلُ بِهِ مِنْ

بَعْدِكَ» (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵-۶). مردی در روز قیامت می‌آید که برای او حسنات مانند ابر متراکم و کوه‌های برافراشته نوشته شده؛ درحالی‌که آنها را انجام نداده است و این، پاداش علم اوست که به مردم آموخته و آنان بعد از او، بدان عمل کردند.

### ۳. ویژگی‌های مبلّغ دین

#### ۳-۱. تطابق گفتار با رفتار

اولین عامل مؤثر در امر تبلیغ، مطابقت گفتار و رفتار مبلّغ است که نقش مؤثری در سازندگی فرد و جامعه ایفا می‌کند. بدین سبب، در متون اسلامی بر هماهنگی گفتار و کردار تأکید شده و از کسانی که اعمالشان مطابق با گفتارشان نیست، نکوهش شده است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ \* كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۳-۲). در حقیقت، مایه زندگی انسان، همین اصل برابری گفتار و رفتار است و گفتار بدون عمل، نشان از ضعف اراده و فقدان انصاف است (عاملی، ۱۳۶۰ش، ج ۸، ص ۲۶۶). خداوند متعال در آیاتی شخص پیامبر را مورد خطاب قرار داده و فرموده: «قُمْ فَأَنْذِرْ \* وَرَبُّكَ فَكَبِيرٌ \* وَثِيَابُكَ فَطَهِّرْ \* وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ» (مدثر: ۲-۵)؛ یعنی هم در باطن دل و مرحله اعتقاد، هم در مرحله عمل و هم به زبان، پروردگارت را به عظمت و کبریا منسوب کن (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۸۰). در واقع، رهبران الهی هنگامی کلامشان نافذ است که دامانشان از هرگونه آلودگی پاک باشد و تقوا و پرهیزکاری‌شان از هر نظر مسلم گردد. به همین دلیل، به دنبال فرمان قیام و انذار، به پاکدامنی دستور می‌دهد و در ادامه می‌فرماید: از پلیدی‌ها و آنچه موجب عذاب الهی است، پرهیز (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۵، ص ۲۱۲-۲۱۳). همچنین، نیکوترین سخن را از آن کسی می‌دانند که به سوی خدا دعوت کند و عمل صالح انجام دهد و در برابر خدا تسلیم باشد؛ «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا» (فصلت: ۳۳). این آیه، دلالت دارد بر اینکه داعی الی الله باید به علم خود عمل کند تا مردم زودتر از او بپذیرند و به گفتارش بیشتر اعتماد کنند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۱۹).

خداوند متعال، از میان تمامی اعمال انسان، بیش از هرچیز از این به خشم می‌آید که انسان به گفته خویش عمل نکند؛ چون این خود، از نشانه‌های نفاق است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۹، ص ۲۴۹). پیامبران و اولیای الهی همواره به پیروان خویش دستور می‌دادند که با عمل خویش



مردم را به دین حق دعوت نمایند. امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ، وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةً بِاللِّسَانِكُمْ» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷). بر مبلغ است که مردم را با اعمال خود به سوی حق دعوت نماید. امام علی علیه السلام زیباترین گفتار را گفتاری دانسته که عمل گوینده اش، آن را تصدیق نماید؛ «أَحْسَنُ الْمَقَالِ مَا صَدَّقَهُ حُسْنُ الْفَعَالِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۱۲). این حقیقت، در سیره تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و معصومین علیهم السلام به طور واضح مشهود است و آن بزرگواران همواره قبل از ابلاغ دستورات دینی به مردم، خود در عمل نسبت به دیگران پیش قدم بودند. امام علی علیه السلام در این باره چنین فرموده: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْكُمُكُمْ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَ أَتْنَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵). فرمایش امام علیه السلام این است که در امر به طاعت و نهی از معصیت، خود ابتدا عامل به آن بودند و سپس، دیگران را امر و نهی می نمودند. توبیخ در آیه «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره: ۴۴)، از این جهت است که عالمان، مردم را به کسب رضای خدا و انجام اعمال مورد نظر او امر می کنند؛ ولی خود به آن عمل نمی کنند (داورپناه، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۵۱۲). امام علی علیه السلام کسانی را که اندرز و موعظه می نمایند، اما خود اندرز نمی پذیرند، نکوهش نموده است؛ «لِرَجُلٍ سَأَلَهُ أَنْ يَعِظَهُ لَا تَكُنْ وَمَنْ يُبَالِغْ فِي الْمَوْعِظَةِ وَ لَا يَتَعَطَّ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰). امام باقر علیه السلام نیز عالم بی عمل را نکوهش نموده که چگونه در مورد هدایت دیگران سخن می گوید، درحالی که خود در غفلت به سر می برد؛ «يَا ابْنَ آدَمَ، كَيْفَ تَتَكَلَّمُ بِالْهَدَى وَ أَنْتَ لَا تُفِيْقُ عَنِ الرَّدَى» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۰۳). طبرسی با استناد به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در شب معراج، در مورد کسانی که گفتارشان با رفتارشان مطابقت ندارد، چنین آورده است: «مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُشْرِي بِي عَلَى أَناسٍ تُفْرَضُ شِفَاهُهُمْ بِمَقَارِيضٍ مِنْ نَارٍ فَقُلْتُ مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جَبْرَيْلُ فَقَالَ هَؤُلَاءِ حُطْبَاءٌ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا وَمَنْ كَانُوا يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ يَنْسَوْنَ أَنْفُسَهُمْ» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۲۱۵). طبق این روایت، حال خطیبان امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که خودشان عامل به دین نیستند، در قیامت بدین صورت است که لب‌های آنها را با قیچی‌هایی از آتش می‌برند و هرچه بریده می‌گردد، دوباره جایش پُر می‌شود. امام صادق علیه السلام موعظه عالم بدون عمل را تشبیه به باران روی سنگ نموده که اثری از آن نمی‌ماند و به پایین می‌لغزد؛ «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ يَعْلَمُهُ زَلْزَلٌ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزُلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴). این حدیث، بیانگر نفوذناپذیری گفتار مبلغ بی عمل در امر تبلیغ است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز دعوت عالم بدون عمل را

همچون کسی دانسته است که بدون زه با کمان تیر بیندازد؛ «مَثَلُ الَّذِي يَدْعُو بِغَيْرِ عَمَلٍ، كَمَثَلِ الَّذِي يَزْمِي بَغَيْرِ وَتَرٍ» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳۴). در این راستا، خداوند متعال راه نفوذ در قلب‌ها را عمل صالح دانسته است که جاذبه و کشش فوق‌العاده‌ای دارد؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶). اعتقاد به یگانگی خدا و دعوت پیامبران که بازتابش در روح، فکر، گفتار و کردار انسان به صورت اخلاق عالی‌ه انسانی مانند: تقوا، پاکی، درستی، امانت، شجاعت، ایثار و گذشت تجلی می‌کند، همچون نیروی عظیم مغناطیس، رباینده است و حتی افراد ناپاک و آلوده از پاکان لذت می‌برند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۳، ص ۱۴۵-۱۴۴). بنابراین، کسی که مبلغ دین و الگوی مردم است و رهبری آنان را برعهده دارد، باید در ابتدا خود واجد ایمان و عمل صالح باشد؛ تا گفتارش در میان مردم مؤثر واقع شود.

### ۲-۳. برخورداری از صلاحیت اخلاقی

فضایل اخلاقی، از ویژگی‌های بارز انبیا و اولیای الهی بوده است. خداوند متعال در قرآن کریم در آیات مختلفی انبیا را به دلیل ویژگی‌های اخلاقی‌شان ستوده است (مریم: ۴۱؛ مریم: ۵۴؛ ص: ۳۰). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان الگوی عالمیان، به اخلاق حسنه آراسته بودند؛ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱). اسوه در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله، یعنی پیروی از ایشان که این وظیفه همیشه ثابت است و همواره باید به آن جناب تأسی نمود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۲۸۸). حضرت صلی الله علیه و آله این چنین توانست مردم عصر خود را با رفتار و کردار حسنه خویش به فضایل اخلاقی آراسته نماید. قرآن کریم پیامبر صلی الله علیه و آله را دارای اخلاق عظیم و حُسن خلق معرفی نموده است؛ «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴). کلمه «خُلُقٌ»، به معنای ملکه نفسانی است که افعال بدنی به اقتضای آن ملکه، به‌آسانی از انسان سر می‌زند؛ خواه این ملکه از فضایل باشد یا رذایل؛ اما به صورت مطلق، بیانگر فضیلت و خلق نیکوست. این آیه هرچند به‌خودی‌خود حُسن خلق رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌ستاید و بزرگ می‌شمارد، اما با در نظر گرفتن سیاق عبارت، به اخلاق اجتماعی حضرت نظر دارد؛ از قبیل: استواری بر حق، صبر در مقابل آزار مردم و خطاکاری‌های اراذل و عفو و چشم‌پوشی از آنان، سخاوت، مدارا و تواضع (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۳۶۹). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیش از آنچه به‌شمار آید، در تحمل آزار مردمان صبور بود و توصیه می‌نمود که با آن کس که از تو بریده، پیوند کن و از آن‌که به تو ستم کرده، درگذر و او را عفو نما و به آن کس که به تو بدی نموده، نیکی کن. پس، بر امت اوست که در تحمل آزار مردم، به ایشان تأسی نمایند و



پیروی کنند (خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۲۶). طبری به نقل از ابن عباس، مراد از «خُلُقٌ عَظِيمٌ» را دین اسلام و مدح پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دانسته است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۹، ص ۱۲). «حُسْنُ خُلُقٍ»، در روایات به عنوان اولین و بارزترین صفتی معرفی شده که در قیامت مورد محاسبه قرار می‌گیرد؛ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا يُوضَعُ فِي مِيزَانِ امْرِئٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۹). در حقیقت، صلاحیت اخلاقی مبلّغ، به تبلیغ او روح می‌بخشد و موجب اثرپذیری و نفوذ کلام وی در مخاطب می‌شود.

در آیات و روایات، بر فضایل اخلاقی تأکید بسیار شده است و مبلّغ قبل از تبلیغ باید با خودسازی، آراسته به فضایل اخلاقی گردد؛ تا زمینه تأثیرگذاری در دیگران را فراهم سازد. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در این باره فرمود: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مَعْلَمٌ نَفْسِهِ...» (نهج البلاغه، حکمت ۷۳). بر اساس این روایت، هرکه خود را پیشوای مردم خواهد، باید پیش از ادب کردن دیگران، به ادب نمودن خود پردازد. بنابراین، مبلّغ دین باید نخست خودسازی کند و کمالات معنوی را در خود فراهم سازد. سپس، به ارشاد دیگران پردازد.

یکی از عوامل سریع جذب مردم به اسلام، شیوه مدارا و آسان‌گیری پیامبران و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است. «مدارا»، به معنای ملاحظت، نرمی، ملایمت و احتیاط کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۲۵۵). پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أُمِرْتُ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۸). رفق و مدارا، از ارزش‌های والای انسانی و مورد تأکید دین اسلام است و هرگاه خلق و خوی انسان گردد و به صورت ملکه درآید، نشان از تعالی روح است. «رفق»، به معنای کاری را خوب انجام دادن و نرم‌خویی در مقابل تندخویی است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۴۹). پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به هنگام اعزام مبلّغان، توصیه به مدارا و سخت‌نگرفتن نموده است؛ «يَسْرُوا وَ لَا تَعَسْرُوا وَ بَشُرُوا وَ لَا تُنْفَرُوا» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۸۱). اخلاق نیکو و کلام زیبا در امر تبلیغ، مورد تأکید روایات است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در این باره چنین فرمود: «مَنْ كَانَ رَفِيقًا فِي أَمْرِهِ نَالَ مَا يُرِيدُ مِنَ النَّاسِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۲۰)؛ هرکه در کار خویش نرم و ملایم باشد، به آنچه از مردم بخواهد، می‌رسد. «مهربانی و نرم‌خویی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تبلیغ دین اسلام، به حدی بود که خداوند متعال در قرآن کریم این خصلت حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از عوامل گرایش به دین دانسته است؛ «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتِنُوا



**مِنْ حَوْلِكَ** (آل عمران: ۱۵۹)؛ زیرا حضرت با صفات کریمه و اخلاق و سجایای نیکو، برای مردم برهان و دلیل می‌آورد؛ در حالی که اگر جفاپیشه و بدخلق بود، از اطراف حضرت پراکنده می‌شدند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲، ص ۸۶۹). ایشان تا پایان زندگی برای دوست و دشمن، کانون رحمت بودند و قهر و خشم ایشان، در سایه رحمت و پیش‌درآمد آن بود (طالقانی، ۱۳۶۲ ش، ج ۵، ص ۴۰۰). البته میان خشونت در عمل و صلابت و قاطعیت، تفاوت است؛ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در عین خوش‌رفتاری و تواضع، در اجرای قوانین اسلامی، قاطع و باصلابت بود (فتح: ۲۹). آیات بسیاری در قرآن کریم بیانگر شجاعت و قاطعیت ستودنی پیامبران الهی در امر تبلیغ دین است؛ قاطعیت انبیای الهی در برابر جهل و ظلم، همچون قاطعیت حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام در بت‌شکنی (انبیا: ۵۷-۵۸) و صلابت حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در برابر انحرافات سامری (طه: ۹۷) و نیز برخورد قاطع پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در برابر پیشنهادات غیرمنطقی مشرکان (کافرون: ۲)، از روش‌های تبلیغی دین اسلام است که منافاتی با نرم‌خویی در امر تبلیغ ندارد.

### ۳-۳. دارا بودن آگاهی و بصیرت

در منابع اسلامی، در مورد تخصص و شایستگی مبلِّغ تأکید بسیاری شده است؛ «**قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي**» (یوسف: ۱۰۸). پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این راه را بی‌اطلاع یا از روی تقلید نپیمود؛ بلکه از روی آگاهی و بصیرت، خود و همه مردم جهان را به سوی این طریقه خواند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۰، ص ۹۵). در چنین راهی، تنها کسانی شرکت دارند که در دین برای خدا مخلص باشند و عالم به مقام رب‌العالمین و دارای بصیرت و یقین بوده باشند. چنین نیست که هرکس کلمه «تابع رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» بر او صادق بود، او نیز شریک در این دعوت بوده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۱، ص ۲۷۷). این بیان قرآن، نشان می‌دهد همه کسانی که خود را پیرو سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌دانند، باید دعوتگر و مبلِّغ باشند و دعوت و تبلیغ ایشان، بر اساس آگاهی باشد. لازمه چنین مسئولیتی، این است که با دعوت و مفاهیم آن آشنا باشند و از معانی و محتوای عقیده و شریعت و تصویری که اسلام درباره خداوند و آفرینش و انسان و زندگی دارد، آگاهی داشته باشند. همچنین، برای حلّ مشکلات مختلف زندگی انسان، راه‌حل‌هایی آگاهانه را ارائه دهد و در اصلاح اندیشه و رفتار و سیر و سلوک انسان، از روش‌هایی علمی و مطلوبی استفاده نماید (قرضاوی و سلیمی، ۱۳۸۲ ش، ص ۷۱۴). بنابراین، مهم‌ترین نکته‌ای که در این آیه در مورد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پیروان حقیقی ایشان به عنوان مبلِّغ مطرح است، این است که



تبلیغ ایشان بر مبنای آگاهی و بصیرت باشد و مبلغ باید در خصوص محتوای تبلیغ، آگاهی و معلومات کافی داشته باشد. در این راستا، در حدیثی از امام علی علیه السلام چنین آمده است: «لَا تَقْلُ مَا لَا تَعْلَمُ فَتَهْتَمَ فِي إِخْبَارِكَ بِمَا تَعْلَمُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۶۵). این روایت، بیانگر آن است که انسان آنچه را نمی‌داند، نگوید؛ زیرا در این صورت، گفتارهای درست او نیز مورد تهمت قرار می‌گیرد. پیامبران وظیفه دارند نعمت‌های خداوند به بندگان و وجوب شکر و بندگی در مقابل آن نعمت‌ها و نیز دلیل‌های الهی در دین را به مردم یادآوری نمایند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۷۲۸). در حقیقت، جایگاه پیامبران، روشنگری و ایجاد بصیرت دینی است: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا...» (انعام: ۱۰۴). این برهان‌ها و احتجاج‌های روشن انبیا، مایه بصیرتی از جانب خداوند برای بشر است که مشرکان در کار خود مختار هستند یا با این احتجاجات بصیرت یابند و یا در مسیر فهم آن، به همان کوری خود باقی بمانند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۳۰۲).

#### ۳-۴. برخورداری از روحیه خستگی‌ناپذیری

خداوند متعال در تبلیغ حضرت نوح علیه السلام، به روحیه خستگی‌ناپذیری نوح علیه السلام اشاره نموده است: «قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا» (نوح: ۵). نوح نبی علیه السلام قوم خود را پیوسته در شب و روز به طاعت و عبادت خداوند دعوت کرد و هیچ‌گاه در دعوت تقصیر نمود (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱۳، ص ۳۲۵). خواندن در شب و روز، کنایه است از اینکه پیوسته و به طور خستگی‌ناپذیر، به دعوت قومش پرداخت (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۲۹). خداوند متعال پیامبر را به صبر و استقامت در راه تبلیغ اوامر الهی و نشر احکامش دعوت و تشویق می‌کند که در این راه، با دلگرمی بکوشد و به اذیت و استهزای مشرکان توجه ننماید (خونی، بی‌تا، ص ۳۵۸). صبر، به معنای خویشتن‌داری در تنگنا و سختی است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۷۳). در علم اخلاق، صبر، همان ثبات نفس و اطمینان آن، پریشان‌نگشتن در بلایا و مصائب، و مقاومت کردن در حوادث و شداید است؛ به نحوی که سینه انسان، تنگ نشود (نراقی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۱۴). صبر و شکیبایی، از فضایل اخلاقی کاربردی است که نقش کلیدی در تمام ابعاد زندگی انسان دارد.

## ۴. روش‌های تبلیغی

### ۴-۱. موعظه و نصیحت

موعظه و اندرز، از شیوه‌های تبلیغی اولیای الهی است که موجب بیداری دل‌ها می‌شود. موعظه، کلامی است که به دل، نرمی و رقت می‌دهد، قساوت قلب را می‌زداید، خشم و شهوت را فرو می‌نشاند و هواهای نفسانی را تسکین می‌دهد. هیچ‌فردی، از موعظه بی‌نیاز نیست و هیچ‌جامعه‌ای نیست که احتیاج به موعظه نداشته باشد (مطهری، ۱۳۸۴ ش، ج ۲۵، ص ۳۴۴). امام علی علیه السلام در اهمیت بیان موعظه و حکمت فرموده: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ (نهج البلاغه، حکمت ۹۱)؛ همانا دل‌ها خسته می‌شوند؛ چنان‌که بدن‌ها خسته می‌شوند. پس، برای آنها تازه‌های حکمت را بجوید.» یکی از وظایف انبیا در تبلیغ دین، موعظه و مناظره زیبا و اندرز نیکوست؛ «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵). مراد از وعظ، پند و اندرز، نصیحت، ترغیب و ارشاد و هدایت از طریق لطف و عنایت و محبت است؛ نه تند و خشونت (طیب، ۱۳۶۹ ش، ج ۸، ص ۲۱۱). موعظه نیکو، یعنی ترغیب و تشویق مردم به ترک زشتی‌ها و انجام کارهای پسندیده؛ به طوری که زشتی‌ها در نظر آنها تنفرآور، و نیکی‌ها در نظر آنان لذت‌بخش جلوه کند. واعظ نیکوسخن، دل‌های مردم را نرم می‌کند و بذر خشوع و خضوع را در دل‌های مردم می‌افشاند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۶، ص ۶۰۵). مراد از جدال حَسَن نیز نقض کلام خصم و مقابله به مثل است؛ به شرط آنکه از طریق خوب و حَسَن نیت باشد (قرشی، ۱۳۷۵ ش، ج ۵، ص ۵۲۲). پیامبران همواره در امر تبلیغ به نصیحت و خیرخواهی توجه می‌نمودند؛ «قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي» (مریم: ۴۷). ابراهیم علیه السلام در مقابل تهدید پدر به رجم و طرد، و بدی او، به وی سلام نمود؛ سلامی که در آن، احسان و امنیت بود و به او وعده امنیت و سلامتی و احسان داد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۴، ص ۵۹-۶۰).

### ۴-۲. بشارت و انذار

انبیای الهی در موارد مختلف مردم را بشارت، و بیم و انذار می‌دادند؛ «وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ» (انعام: ۴۸). بشارت و انذار، همان تشویق و تهدید است. این دو، اصل مهم و سازنده و ترقی‌بخش، برنامه عملی پیامبران بود (قرشی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۲۲۶). غرض از رسالت و اعزام پیامبران، دعوت به حق و خداپرستی است که به صورت امر و نهی است؛ اما حقیقت آن، بشارت و دعوت و تهدید است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۳۱۶). انذارکردن،



همواره مربوط به عذاب‌های اخروی نبوده است؛ بلکه در موارد بسیاری نسبت به عقوبت‌های دنیوی نیز بیم داده می‌شود؛ «قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيْكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ» (انعام: ۶۴). خداوند برای انسان‌ها اسباب نجات و فرج را فراهم می‌کند و آنان را از گرفتاری‌ها و شداید و به‌طورکلی از هر ناراحتی نجات می‌دهد؛ اما همین‌که احساس راحتی کردند و خلاص شدند، چیزهایی را که قادر بر نجاتشان نیستند، شریک خدا قرار می‌دهند. این شرک، گاهی آشکار و گاه نیز پنهان است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۴۸۶).

### ۳-۴. روش چهره‌به‌چهره

تبلیغ چهره‌به‌چهره، از شاخص‌های نظام تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است. شیوه تبلیغی پیامبران، بر این بود که خود به سراغ مردم می‌رفتند و معارف دین را برای آنان بیان می‌کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «طَيِّبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَأَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۳۷). ایشان همچون طیبی بر سر بیماران حاضر شده، مرهم آنها بود و داغ ایشان را به‌هنگام نیاز رفع می‌نمود. در حقیقت، تبلیغ، همان طبابت روحی و معنوی است که محتوای آن، چون دارویی موجب سلامتی روح و روان مردم شده و به راه مستقیم هدایتشان می‌نماید. این شیوه تبلیغ، در میان ائمه اطهار علیهم السلام نیز به تاسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است؛ امام حسین علیه السلام در نهضت عاشورا با الهام از سنت نبوی و علوی برای آگاه‌سازی مردم، مجموعه‌ای از شیوه‌های تبلیغی داشتند که از یک‌سو، موجب ماندگاری نهضت و از طرفی، موجب تقویت روحیه یاران و تضعیف روحیه مخالفان شده است. روش برخورد امام حسین علیه السلام با زهیر بن قین، نمونه‌ای بارز از شیوه هدایت و تبلیغ امام حسین علیه السلام است.

### ۴-۴. روش تمثیل

بهره‌گیری از تمثیل، از شیوه‌های انتقال مفاهیم دینی است که مسائل را برای مخاطب بسیار روشن و قابل فهم می‌کند. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا» (نساء: ۵۶)، برای انتقال بهتر مفهوم آیه، از مثال بهره گرفت و فرمود: «أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَخَذَ لَبَنَةً فَكَسَرَهَا ثُمَّ رَدَّهَا فِي مَلْبِنِهَا فَهِيَ هِيَ وَ هِيَ غَيْرُهَا» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۵۴)؛ این، همانند آن است که کسی خشتی را بشکند و خرد کند



و دوباره در قالب بریزد و به صورت خشت تازه‌ای در آورد. این خشت دوم، همان خشت اول است و در عین حال، خشت جدیدی است.»

#### ۴-۵. عدم اطاله کلام

امام علی علیه السلام در مورد پرهیز از سخنان طولانی و خسته‌کننده چنین فرمود: «رُبَّ كَلَامٍ كَلَامٍ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۷۹)؛ چه بسا سخنانی که بسیار خسته‌کننده است.» در امر تبلیغ نباید با بیان مطالب حاشیه‌ای، موجب ملال و خستگی مخاطب شد؛ چنان‌که امام علی علیه السلام بهترین کلام را کلامی دانسته‌اند که نه ملال‌آور باشد و نه اندک؛ «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا لَا يَمِلُّ وَلَا يَقِلُّ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۵۵). بنابراین، باید برای کاربردی نمودن کلام، از جملات کوتاه و پُر بار استفاده نمود. آن حضرت علیه السلام طولانی بودن سخن را از آفات کلام دانسته است؛ «أَفَةُ الْكَلَامِ الْإِطَالَةُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۰).

#### ۵. ویژگی محتوای تبلیغ

##### ۵-۱. تناسب مطالب با نیاز مخاطب

اصول مشترک تمام ادیان توحیدی، دعوت به خداوند یکتا و دوری از مظاهر شرک است و در هر عصری، متناسب با شرایط آن عصر، اهمیت دعوت انبیا حول محور خاصی بوده است؛ چنان‌که ابراهیم نبی علیه السلام با مظاهر شرک و بت‌پرستی مبارزه نمود و یا در دعوت حضرت لوط علیه السلام، بُعد اخلاقی دارای اهمیت بیشتری بود (شعرا: ۱۶۵-۱۶۶). در دعوت شعیب نبی علیه السلام، بُعد اقتصادی (هود: ۸۵) و در دعوت صالح علیه السلام، مبارزه با دنیاپرستی و مادی‌گری و رفاه و غرور ناشی از آن (شعراء: ۱۲۸-۱۳۰) و در دعوت موسی علیه السلام، مبارزه با استضعاف و استکبار و سحر بیشتر مورد توجه بوده است (قصص: ۴). بنابراین، یکی از نکات حایز اهمیت در امر تبلیغ، دعوت متناسب با نیاز جامعه است که باید به نیاز و ضرورت هر عصر توجه نمود.

بیان تدریجی معارف و آموزه‌های دینی با توجه به ظرفیت ایمانی مخاطب، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این امر، سبب آمادگی روحی مخاطب می‌شود و موجب می‌گردد حقایق الهی را به آسانی و در کمال آرامش بپذیرد. در نظر گرفتن فهم مخاطبان برای انتقال مفاهیم متناسب با درک آنها، به حدی اهمیت دارد که تمام انبیای الهی در راه تبلیغ دین مأموریت یافته‌اند که به این مهم توجه نمایند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نَكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (برقی،



۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۹۵). بنابراین، برای اینکه محتوای پیام غنی باشد، توافق با احساسات و هماهنگی با نیازهای عملی و عینی بشر، از شرایط غنی بودن محتوای یک پیام است و اگر با نیازهای بشر ضدیت داشته باشد، نمی‌تواند موفق باشد (مطهری، ۱۳۷۴ش، ج ۱۷، ص ۳۲۵). بهره‌گیری از فرهنگ آداب و رسوم مخاطب، نقش مؤثر و کارآمدی در امر تبلیغ و ایجاد انس بیشتر با مخاطب دارد. در این راستا، بیان آسان و روان، اهمیت ویژه‌ای در امر تبلیغ دارد؛ «فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا» (مریم: ۹۷). قرآن کریم در عین عمیق و پرمایه بودن، دارای درک سهل و ساده است و حقایق بزرگ و برجسته، در قالب الفاظ محدود با سهولت درک معانی ریخته شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۳، ص ۱۵۰). پس، همراهی با مخاطب و استمرار آن، موجب انس و تأثیرپذیری بیشتر در مخاطب خواهد شد.

## ۲-۵. بیان کامل دستورات الهی

از دیگر ویژگی‌های انبیای الهی، بیان کامل دستورات خداوند و پرهیز از افزودن چیزی به دین از جانب خود، بدون اذن الهی است؛ «قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ» (انعام: ۵۰). عبارت «وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ»، بیانگر این است که من در علم به چیزی، از خود استقلال ندارم و چنان نیستم که بدون آنکه از وحی بیاموزم، به چیزی علم پیدا کنم و از ناحیه خود و به طبع خود، مجهز به چیزی نیستم که با آن به اسرار نهفته‌ای که انسان به حسب عادت راه به علم آن ندارد، راه پیدا کنم. بنابراین، رسول خدا ﷺ مأمور به تبلیغ حقایقی است که به وی وحی می‌شود و جز پیروی از آن دستورات، وظیفه دیگری ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۹۵-۹۶). تاریخ ادیان توحیدی به ما نشان می‌دهد که همه عزت و احترام پیامبران الهی به دلیل تبعیت آنان از حدود و احکام الهی بوده است و اینکه هرگز روی حکم خدا و کلمه حق، مجامله و معامله‌ای صورت نمی‌دادند (گواهی، ۱۳۷۹ش، ص ۴۵۱-۴۵۲). همان‌گونه که پیامبران، تنها آنچه را خداوند متعال به آنان وحی فرستاده، بیان می‌کنند، مبلغان دینی نیز موظف هستند آنچه از قرآن و روایات است، بدون کوچک‌ترین تحریفی بیان نمایند.

## نتیجه

تبلیغ، تلاشی است در راستای پرورش و تربیت دینی، جهت هدایت و رشد انسان که باید به بهترین وجه انجام گیرد تا تأثیر خود را بر مخاطب داشته باشد. در واقع، تبلیغ، ارشاد و هدایت به



ارزش‌های الهی است. سیره انبیا و اهل بیت علیهم‌السلام کارآمدترین روش است و مبلّغ باید با تقویت ایمان در اجرای صحیح و کارآمد امر تبلیغ، گام بردارد. هدف مبلّغ، اصلاح نگرش مخاطب در راستای اهداف دینی و سوق دادن انسان‌ها به بندگی خداوند متعال است، در این راستا، زمانی می‌تواند از اعماق بیکران دین الهی و ارزش‌های والای آن سخن گوید که خود با تمام وجود، اعماق دین را درک کرده باشد و ابتدا به خودشناسی پرداخته باشد و سپس، در جهت اصلاح جامعه برآید. در حقیقت، رویکرد تبلیغ دینی باید ناظر بر رفتار و عمل باشد؛ نه صرف توصیه و گفتار. بنابراین، تعلیم و تربیت از طریق امر تبلیغ، گام مؤثری در شکوفایی استعداد‌های انسان است که در پرتو آن، می‌توان به مراحل عالی رشد و کمال نایل شد و رسالت مبلّغ، نشر معارف دینی در عرصه جوامع بشری است تا در پرتو آن، موجبات کمال و سعادت انسان را فراهم نمود.



## کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ق، عوالی الثالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، چاپ اول، قم، دار سیدالشهداء للنشر.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ش، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، چاپ چهارم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶ش، الأمالی، چاپ ششم، تهران، کتابچی.
۴. ابن عجیبه، احمد، ۱۴۱۹ق، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، چاپ اول، قاهره، حسن عباس زکی.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
۷. برقی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ق، المحاسن، چاپ دوم، قم، دارالکتب الإسلامیة.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام)، چاپ دوم، قم، دارالکتب الإسلامیة.
۹. جعفری، یعقوب، ۱۳۸۲ش، سیری در علوم قرآن، چاپ سوم، تهران، اسوه.
۱۰. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳ش، تفسیر اثنا عشری، چاپ اول، تهران، انتشارات میقات.
۱۱. حسینی همدانی، محمد، ۱۴۰۴ق، انوار درخشان در تفسیر قرآن، چاپ اول، تهران، لطفی.
۱۲. حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، قرب الإسناد، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۳. خسروانی، علیرضا، ۱۳۹۰ق، تفسیر خسروی، چاپ اول، تهران، کتاب فروشی اسلامیه.
۱۴. خوئی، ابوالقاسم، بی تا، البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه إحياء الآثار الامام الخوئی.
۱۵. داورپناه، ابوالفضل، ۱۳۶۶ش، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران، کتابخانه صدر.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق، دارالعلم الشامیة.



۱۷. سیدبن قطب، ابن ابراهیم، ۱۴۲۵ق، فی ضلال القرآن، چاپ سی وینجم، بیروت، دار الشروق.
۱۸. صفار، محمدبن حسن، ۱۴۰۴ق، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام، چاپ دوم، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
۱۹. طالقانی، محمود، ۱۳۶۲ش، پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۱. طبرسی، احمدبن علی، ۱۴۰۳ق، الإحتجاج علی اهل اللجاج، چاپ اول، مشهد، نشر مرتضی.
۲۲. فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو.
۲۳. طبری، محمدبن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفة.
۲۴. طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، الأمالی، چاپ اول، قم، دارالثقافة.
۲۵. طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹ش، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران، اسلام.
۲۶. عاملی، ابراهیم، ۱۳۶۰ش، تفسیر عاملی، چاپ اول، تهران، کتابفروشی صدوق.
۲۷. عیاشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ق، کتاب التفسیر، چاپ اول، تهران، چاپخانه علمیه.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، العین، چاپ دوم، قم، انتشارات هجرت.
۲۹. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۵ش، تفسیر احسن الحدیث، چاپ دوم، تهران، بنیاد بعثت.
۳۰. قرضاوی، یوسف و سلیمی، عبدالعزیز، ۱۳۸۲ش، قرآن منشور زندگی، چاپ اول، تهران، احسان.
۳۱. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۳۲. گواهی، عبدالرحیم، ۱۳۷۹ش، درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۴. مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، التفسیر الکاشف، چاپ اول، قم، دارالکتب الإسلامیة.
۳۵. مفید، محمدبن محمد، ۱۴۱۳ق، الأمالی، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید.



۳۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴ش، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چاپ هفتم، تهران، صدرا.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۳۸. موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۹ش، صحیفه امام، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۳۷۸ش، معراج السعاده، قم، هجرت.



### Characteristics of Religious Propagation in the Lifestyle of the Prophets and Ahl al-Bayt (as)

Marzieh Qanbari\*

#### Abstract

Propagation of religion and guiding human beings to high divine values is one of the principles of the mission of the prophets, the essence of monotheistic religions and an important feature of the religiosity of the followers of the true prophets, which is considered as one of the most important factors for the stability of Islam and the continuation of the path of prophets and Awlia' Allah. Since the Prophets and Imams (AS) are the true preachers of Islam, knowing their propagation style based on religious sources is one of the requirements of propagation and indicates the correct way of promotion of religious teachings in order to improve the capacity of the arena of propagation and the increasing tendency of audience. This study has focused on an ideal model of propagation according to the lifestyle of the prophets and Awlia' Allah and tries to take an effective step in advancing the goals of the mission and revival of religion and in practice, lead to a significant change in the propagation of Islam. According to the lifestyle of the prophets and Awlia' Allah, the propagation of religion is based on religiosity and having moral virtues. Therefore, the preacher's heartfelt belief, which is derived from his actions and deeds, is an essential step for the preacher in inviting people to the divine values. The lifestyle of the prophets and the Ahl al-Bayt indicates that they have promoted the religion by using methods such as: giving advice, announcing, warning, giving examples and face-to-face propagation.

#### Keywords

Methods of propagation, prophets, Ahl al-Bayt (as), preacher.

---

\* PhD in thematic Interpretation of the Qur'an, Qom University . Marziyeh.ghanbari2020@gmail.com